

# پایگاه علمی و تربیتی در اسلام

پیش از آنکه پیرامون مراکز دیگر آموزش در دوران نخستین اسلام باخوانندگان گرامی مکتب مام سخن بگوئیم مجدداً در تأیید مطلب گفتار گذشته پیرامون معرفی شاپور بن اردشیر مؤسس کتابخانه در بغداد لازم بیادآوری است که وی وزیر بهاءالدوله دیلمی و از رجال قرن چهارم هجری و مردی دانش پرور بود و شعرائی چون ابن بابک و ابولقرج بیغاء و حاتمی در خدمتش روزگار گذرانیدند و همواره از بذل توجه و صلوات گرانش برخوردار بودند و این اثر می نویسد که شاپور ابن اردشیر بسال ۳۸۱ هجری در بغداد کتابخانه تأسیس کرد و بیش از ده هزار مجلد کتاب در آن نگهداری می شد و در حمله طغرل به بغداد دچار حریق گردید (۱) بنابراین بضرر قاطع می توان گفت که برخی از دانشمندان بهنگام ذکر نام این شخص دچار لغزش گردیده و چنین تصور نموده اند که وی همان شاپور اول پادشاه ساسانی است و گویا این اشتباه فاحش از تشابه دو اسم رخ داده و از سوی دیگر منبع تاریخی موثقی سراغ نداریم که چنین حسی را تأیید نماید.

اینک می پردازیم به بحث پیرامون اماکنی غیر از مدارس که در قرنهای نخستین اسلام بعنوان مرکز آموزش و نشر فرهنگ و معارف اسلامی مورد استفاده قرار می گرفته است

البته همانگونه که در گفتار پیش معروض افتاد مدارس نقش اساسی تعلیم و تربیت را عهده دار بودند ولی در جنب آنها مراکز دیگری نیز بیچشم می خورد که کم و بیش در ادای رسالت مقدس سواد آوزی و تهذیب اخلاق مردم که متکفل تأمین سعادت جامعه است انجام وظیفه می نمودند و در اینجا باید دور از هرگونه روح تعصب و خودنگری به معاضدت و مساعدت ایرانیان در توسعه اینگونه اماکن اشاره نموده و این حقیقت را پذیرفت که تأسیس مدارس و مراکز علمی در ایران عصر اسلامی و حتی در بغداد و برخی دیگر از کشورهای عربی الگوئی است از مراکز علمی ایران قبل از اسلام چون دانشگاه گندی شاپور و مدرسه طب انوشروان و بحث پیرامون این موضوع مهم خود بگفتار مستقلی نیازمند است.

بهر حال پس از مدارس که در گفتار گذشته از آنها بتفصیل سخن رفت مهمترین اماکن آموزش و تعلیم و تربیت اسلامی عبارتند از:

- ۱ - مارستان .
- ۲ - خانقاه .
- ۳ - زاویه .
- ۴ - ریاط .

و اکنون باختصار بمعرفی یک یک آنها

می پردازیم

# مرکز پزشکی اموزش و فرهنگستان اسلام

عصر هارون الرشید بصورت مرکز علوم پزشکی یا بعبارت دیگر آکادمی علوم پزشکی درآمد که بیمارستان جزئی از سازمان آن بشمار می رفت و در همین مرکز یا مدرسه که بتقلید از مدرسه پزشکی گندی شاپور تأسیس یافته بود نخبه از پزشکان ایرانی (همانگونه که قبلاً اشاره نمودیم) در آن باسر تدریس و تربیت جوانان اشتغال داشتند و ضمناً به معالجه بیماران نیز می پرداختند و نزدیکی مقر تدریس آنان بمحل معالجه بیماران براساس تکنیک علمی صورت گرفته بود تا دانش آموزان درس استاد را عملاً نیز فرا بگیرند بآنصورت که امروز در آموزشگاههای علوم پزشکی معمول می باشد و همین اساتید کتابهای ارزنده در علم پزشکی تألیف و ترجمه کردند و بدین ترتیب علوم پزشکی در جامعه صدر اسلام بویژه در عصر عباسیان رونقی بسزا یافت و از آثار برجسته این دوره می توان دو رساله در علم پزشکی از یوحنا بن ماسویه را نام برد وی در آغاز قرن سوم هجری از ایران وارد بغداد شد و بدستور مأمون بیمارستانی بساخت و سپس از طرف مأمون بسمت «بیت الحکمة» که در نشریه شماره ۸۱ مکتب مام از آن بتفصیل سخن گفتیم منصوب شد و بسال ۴۴۳ هجری وفات یافت یکی از این دو رساله بنام «النواتر الطبیه» معروف است که آنرا بشاگردش حنین

الف - مارستان واژه ای است فارسی که در قرن اول هجری بزبان عربی راه یافت (۲) و واژه بیمارستان نیز مرادف آن است و امساری عباسی و اموی بتقلید از ایرانیان مراکز بیابین نام جهت تربیت پزشک و مداوای بیماران تأسیس کردند که در اکثر آنها پزشکان ایرانی نژاد بکار تعلیم و معالجه بیماران اشتغال داشتند که از مشهورترین آنان ابن بختیشوع پزشک معالج ابو جعفر منصور دوانیقی و پزشک مخصوص هارون الرشید و دهشتک و ابن شهلا و جبرائیل بن عبیداله و عیسی بن چهار بخت و شاپور بن سهل را می توان نام برد (۳) و جالب آنکه خاندان بختیشوع پیش از دو قرن در بغداد بشغل طبابت و تعلیم علوم پزشکی اشتغال داشتند و شش نفر از این خاندان بسمت ریاست امور پزشکی و نظارت بر بیمارستانهای بغداد منصوب شدند و نخستین بیمارستان در عهد خلافت ولید بن عبدالملک بسال ۸۸ هجری در شام بنا گردید که در آن بیماران جذامی و نابینایان نگهداری می شدند و در کنار همین بیمارستان جایگاه ویژه ای برای پزشکان و شاگردان تعبیه گردیده بود و دومین بیمارستان بدستور مهدی سومین خلیفه عباسی در بغداد بنا گردید و ابن بختیشوع را بسمت ریاست آن برگزید و همین بیمارستان رفته رفته بویژه در

ابن اسحاق اهدا نمود هر چند برخی از مورخین با شکیه تألیف این رساله را به قدیس یوحنا دمشقی نسبت داده‌اند، دومین رساله بنام «دغل العین» معروف است که مدت‌ها مورد توجه علما و پزشکان بوده و در عصر خلافت القاهره (۳۲۰-۳۲۲) بعنوان کتاب درسی و منبع اساسی در چشم پزشکی مورد استفاده قرار می‌گرفته است و تلخیص از این کتاب نیز بعنوان «اشارات فن امتحان أطباء العیون» به یوحنا نسبت داده شده است (۶) و دیگر از بیمارستانهای معروف این دوره بیمارستان المعتضد بالله (۲۷۹-۵۲۸۹) و المستنصر بالله (۶۴۰-۵۶۴) دهمین و سی و ششمین خلفای عباسی است و گویند که مستنصر در مدرسه مستنصریه روایتی برای استادان پزشکی جهت تهیه دارو و آموزش عملی دانشجویان در رشته پزشکی مقرر داشت و می‌توان گفت که مدرسه پزشکی مستنصریه نمونه کاملی از مدرسه طب انوشیروان بوده که در آن تحصیلات عالی پزشکی با برنامه‌های وسیع و پیشرفته همراه بوده است و در سال ۵۷۷ هجری صلاح‌الدین ایوبی فاتح مصر فرمان داد که در شهر قاهره بیمارستانی برای تیمار بیماران بسازند و برای اطباء آن مستمری مقرر گردانید بطوریکه مبلغ دریافتی ماهانه برای هراستاد به دوست دینار بالغ می‌گردید و هزینه بیمارستان و بودجه مدرسه طب وابسته به آن از عوائد خاص دیوان صلاح‌الدین تأمین می‌شد (۷) این ابی اصبیعه می‌گوید ابوالفرج طبیب در بیمارستان

عضدی - عضدالدوله دیلمی - علم پزشکی بیاموخت و ابراهیم بن مکس در این بیمارستان بتدریس علم پزشکی اشتغال داشت (۶) و باید افزود که جبرائیل بن عبیداله پزشک معروف قرن چهارم هجری در بغداد از ملازمان درگاه عضدالدوله دیلمی بود و آخرین پزشک از خاندان بختیشوع بشمار می‌آید و نکته جالب آنکه بخش تهیه دارو را در اینگونه بیمارستانها شراب خانساه (شراب - خانه) می‌ناسیده‌اند (۷) و شراب خانه واژه فارسی است و بدون شک از زبان فارسی بزبان عربی راه یافته است و این خود می‌رساند که برنامه‌های آموزشی این بیمارستانها اغلب از برنامه‌های مدرسه طب انوشیروان الهام گرفته که بوسیله پزشکان ایرانی و غیر ایرانی دانشگاه گندی شاپور تنظیم گردیده است و گویند در زمان خلیفه عباسی المقتر بالله برای نخستین بار پزشک بدون دریافت اجازه طبابت از حرفه پزشکی محروم می‌شد و هیأتی از پزشکان برجسته و معروف مسئول اعطای اجازه طبابت به پزشکان فارغ التحصیل بودند و در حقیقت می‌توان این هیأت را مرادف انجمن نظام پزشکی امروز دانست و از جمله استادان که اجازه طبابت می‌دادند سنان بن ثابت بن قره است و در عصر همین خلیفه در بغداد بیش از هشتصد پزشک مجاز به حرفه پزشکی اشتغال داشتند و بدینگونه مشاسده بینمائیم که بیمارستانهای قرنهای نخستین اسلام در برافراشتن پرچم دانش و فرهنگ نقش مهمی

عرفای متصوفه چون منصور حلاج و شیخ شهاب الدین سهروردی و دیگران مؤید این مدعا است و نکته دیگری که باید در اینجا یادآور شویم آنست که خانقاه پس از ایران در سمررونی بسزا داشته و دارای تشکیلات وسیع از قبیل خوابگاه و مهمانسرا و حجرات متعدد جهت اقامت فقرا بوده و موقوفات بسیاری برای مخارج آن وجود داشته و شیخ الصوفیه لقبی است که به بزرگترین فرد از فرقه متصوفه در مصر داده میشود و کما کسان بیش از ۱۰ میلیون پیروان نقشبندی و شاذلن در این کشور هم کیش وجود دارد و شیخ الصوفیه مورد احترام قاطبه مردم و مقامات دولتی است. و خانقاههای قدیم صوفیه دارای کتابخانه و قرائتخانه بوده که استفاده از آن برای عموم آزاد بوده است.

ج - رباط یکی دیگر از اماکن اجتماع عرفا و صوفیه است و این واژه در اصل بمعنای ملازمت گزیدن است

و شاید کاروانسراهای دوره صوفیه را نیز از اینجهت رباط می گفته اند که محل فرود آمدن کاروانها بوده است و بطور کلی واژه رباط در زبان عربی برپادگان نظامی در سرز کشور اطلاق می شده و دوره بنی امیه و بنی عباس بهمین مفهوم بکار می رفته و الجنود المرابطون یعنی سربازان و پاسداران سرزی و معمولاً رباط بر استحکامات سرزی و برجهای پاسداری نیسز اطلاق می شده است (۱) و پایتخت مراکش نیز رباط نام دارد و شاید وجه تسمیه آن ظهور

ایفا کرده اند و در دوره خلافت عباسیان پیش از صد بیمارستان در نقاط مختلف جهان اسلام آن روز وجود داشت که پایه و شالوده آنها بدست ایرانیان ریخته شد و رفته رفته رو بتوسعه نهاد و مدارج پیشرفت را بسرعت پیمود و بالنتیجه تحصیلات پزشکی به آن پایه از ارج رسید که دانشجوی فارغ التحصیل رشته پزشکی باید برای دریافت دانشنامه رساله یا باصطلاح علمی امروز پایان نامه در زمینه تخصص خود تألیف کند و آنرا با استاد تقدیم نماید و پس از آنکه رساله مزبور از طرف استاد مورد تأیید قرار گرفت بدریافت دانشنامه پزشکی و پروانه طبابت نائل می آمد.

ب - خانقاه معرب خانگاه موضع اجتماع درویشان و برگزاری حلقه های ذکر و اوراد صوفیه است و این مجمع عرفانی برای نخستین بار در قرن چهارم هجری سازمان یافت (۲) و از آن تاریخ تا به امروز در همه کشورهای اسلامی و در سینه عزیز ما ایران کماکان پابرجاست و حلقات صوفی و عارف ربانی ابن جنید در بغداد برارباب معرفت پوشیده نیست و در خانقاه عرفا علاوه بر انجام اذکار و اوراد صوفیه به تعلیم احادیث و معارف اسلامی نیز می پرداختند و چنانچه بخواهیم پیرامون نقش خانقاه در عرفان اسلامی سخن بگوئیم از حوصله گفتار ما خارج است و فقط باید متذکر شد که خانقاه در تهذیب اخلاق و تربیت روحی و ارشاد و هدایت مردم بسیار مؤثر بوده و در این راه فداکاری و جانبازی مشاهیر و

خاندان سرابطین در این کشور است که از سال ۴۴۸ تا ۵۴۱ هجری بر شمال آفریقا و بخشی از اسپانیا حکومت داشتند

بهر حال معنای این واژه در اثر تحول بر اقامتگاه پارسایان و عرفا و زهاد اطلاق گردید و معمولا در مناطق دور از شهر و آبادی بنیاد شده است شبیه به دیرهای مسیحیان که تاریکین دنیا در آن اقامت دارند و فقرا و درویشی که در این خانه نسک زندگی می کردند از مقررات بسیار سخت تبعیت می کردند و بر خود لذایذ دنیوی را حرام می شمردند و همانگونه که در خانقاه همانسرای جهت غربا و مسافری که اغلب فقیه و دانشمند بودند و برای کسب فضیلت و کمال از شهری به شهر دیگر کوچ می کردند اختصاص یافت بود در رباط هم جایگاهی برای جهانگردان دانشمند و اهل علم وجود داشت که در آن بیتوته می کردند ابو بکر بن عربی محدث و فقیه شهیر مغربی (۴۶۸-۵۴۳) بهنگام عزیمت به مشرق زمین می گوید چون

به بغداد رسیدم در رباط ابی سعد اقامت گزیدم و در آنجا بیدار حجة الاسلام محمد غزالی نائل گشتم و مدتی ملازمت وی را برگزیدم و جالب آنکه واژه دانشمند لقب خاص امام غزالی بوده و در زبان عربی بکار می رفته است چنانکه همین فقیه مغربی جریان ملاقات خود را با امام غزالی چنین آغاز می کند: «ورد علینا دانشمند...» (۱)

د - زاویه یا گوشه معمولا بر قسمتی از

خانقاه اطلاق می شده که مقر تدریس مسرشد و قطب بوده است و زاویه نیز معمولا در مناطق دوردست و در دانسته کوه بنا می شده است و در دوره اخیر اسلامی بر حلقات درس مشایخ صوفیه نیز اطلاق گردیده است و همچنین گوشه های شبستان و مساجد را که علما برای تدریس اختصاص می دادند زاویه نام داشت از آنجمله زوایای مسجد جامع عمر بن غاص در فسطاط شهر قدیم و پایتخت قدیم مصر است که امروز از مناطق حومه قاهره بشمار می آید در این مسجد زاویه جهت تدریس فقه شافعی وجود که همچنان دائمی و پابرجاست و زاویه مجدیبه بنام مؤسس آن مسجد الدین بن مهلب از دی معروف است و تدریس در آن جاویژه شاهی ققهای هر عصر بوده و زاویه صاحب بنام مؤسس آن صاحب تاج الدین فخری نام گذاری شده و در این زاویه فقه مالکی و فقه شافعی تدریس می شده است و دیگر زاویه کمالیه است که محل اجتماع طلاب علوم دین بوده و دروس خود را مذاکره و مطالعه می کرده اند و در همین مسجد چند زاویه نیز اختصاص به رجال و علمای صوفیه داشته است که حلقات ذکر خود را در آنجا تشکیل می داده اند (۱) و تکایا و اماکن وابسته به این مسجد که نخستین مسجد اسلامی در مصر است که وقف مخارج زندگی فقرا و درویش و طلاب علوم دینی است که می توانند در آنجا بصورت سوقت یادائم بمنظور تحصیل و تزکیه نفس و تهذیب اخلاق اقامت نمایند و جالب آنکه

مقریزی در کتاب الخطط می نویسد آخرین بانوی فاضل و سرشد این خانقاه که عصر وی را درک کردیم بانوی صالح و مستفرد در زمان خود ام زینب فاطمه بنت عباس بغدادی بود که بسال ۷۹۶ هجری بدرود زندگی گفت وی از فقهای نامدار زمان خود بشمار می آید و بسیاری از بانوان مصری و دمشقی ملازمت حلقه ارشاد او را داشتند و خانقاوی ملجأ زنان بیوه و دختران یتیم بود که از آنان با احترام و شایستگی پذیرائی می شد باید با کمال تأسف

بقیه در صفحه ۸۶

مسلمانان دوره نخستین اسلام در خانقاه یا یا رباط و یا زاویه محل خاصی نیز جهت آموزش مذهبی بانوان اختصاص داده بودند که احکام قرآن و مسائل مذهبی و حدیث و شعر و ادب بانان می آموختند از آنجمله رباط بغدادیه در قاهره است دخت فاضل ملکظاهر بیبرس بسال ۶۸۴ هجری بنا کرد و آنرا مقر تدریس بانوی فاضله و پارسا دختر عارف شهیر ابوالبرکات بغدادی گردانید و این بانوی عارف و دانشمند بسال ۷۱۴ هجری وارد قاهره شد و در این خانقاه سکونت جست و عده ای زنان پارسا و عارف نیز او را همراهی می کردند و

ص ۲۷۰ چاپ قاهره ، خوانندگان گرامی برای مزید اطلاع از بیمارستانهای قرنهای نخستین اسلام می توانند بکتاب دکتر احمد عیسی بعنوان «تاریخ الییمارستانات فی الاسلام» چاپ دمشق مراجعه نمایند  
(۶) طبقات الاطباء ج ۱ ص ۲۳۹ چاپ قاهره

(۷) صبح الاعشی قلقشندی ج ۳ ص ۴۷۶ چاپ قاهره

(۸) الخطط حقریزی ج ۴ ص ۱۷۶ چاپ قاهره

(۹) فتون الاسلام دکتر زکی محمدحسن ص ۲۶ چاپ قاهره

(۱۰) نفع الطیب المقری ج ۱ ص ۳۳۸ چاپ قاهره

(۱۱) الخطط مقریزی ج ۴ ص ۲۰ و مابعد آن چاپ قاهره

(۱) تاریخ الکامل ابن اثیر ج ۷ ص ۳۲۴ چاپ قاهره

(۲) این واژه تا به امروز در مصر متداول و بر تیمارستان اطلاق می شود و در عهد انوشیروان مدرسه باین نام وابسته به دانشگاه گندی شاپور تأسیس گردید

(۳) برای آگاهی بیشتر از خدمات ایرانیان بعلوم پزشکی در دوران نخستین اسلام در بغداد و دیگر کشورهای اسلامی آن عصر به مقاله ارزنده و عالمانه استاد دکتر محمد محمدی رئیس دانشکده الهیات و معارف اسلامی در نشریه مقالات و بررسیها شماره ۵-۶ سال ۱۳۵۰ بعنوان دانشگاه جندی شاپور مراجعه نمایند .

(۴) اخبار العلماء باخبار الحکماء جمال الدین ققطی ص ۳۸۰-۳۸۱ چاپ قاهره

(۵) حسن المناظره جلال الدین سیوطی ج ۲